

ادامه از صفحه ۶

بازار انتخابات

اما، حقیقت نهفته در پس این گزاره‌های امیدبخش، چیز دیگری است؛ پیامد این ادبیات، چیزی جز ناکامی نیست؛ ناکامی که از درون لایحه و علیه خود لایحه رخ خواهد داد. دارایی شخصی داوطلب، کمک‌های مستقیم احزاب و تشکل‌های سیاسی و کمک‌های اشخاص حقیقی ایرانی، به ظاهر سه مورد را در بر دارد؛ سه مورد که ظاهرا در کنار دیگر موارد ممنوعه و متعدد قرار می‌گیرد. اما، آیا نویسندگان لایحه به این مسئله نیندشیده بودند که ورودی همین منابع می‌تواند نامشروع باشد؟ درواقع، داوطلب موظف است تنها از سه منبع مجاز، هزینه‌های انتخابات را تأمین کند؛ آیا دارایی شخصی او، دارایی دوستان و آشنایان و همچنین دارایی احزاب و تشکل‌های سیاسی دارای مجوز معتبر، ممکن نیست از محل نامشروع تأمین شده باشد؟ میان منابع نامشروعی که به گونه‌ای مستقیم و غیرمستقیم وارد حساب داوطلب می‌شود، به‌لحاظ نامشروع‌بودن، چه تفاوتی وجود دارد؟ این چالش درباره منابع مالی بیگانگان، منابع مالی دولتی و عمومی و منابع مالی شرکت‌های تجاری نیز مطرح است. اگر حساب‌های شخصی یک داوطلب از پول‌های ناشی از ارتباطات دولتی، همدستی با بیگانگان و رفاقت با شرکت‌های تجاری پُر باشد، چه کاری از دستان این لایحه ساخته است؟ دورزدن مواد یک و دو لایحه نیازمند بهره‌هوشی زیاد بالایی نیست. با یک حساب‌سازی هوشمندانه و با ایجاد سلسله‌ای از حساب‌های واهی به نام اشخاص مختلف، می‌توان از چنگ ناورزیده مواد یک و دو گرخت.

۲- این ممنوعیت که اشخاص حقیقی ایرانی نمی‌توانند بون اطلاع و اجازه داوطلب انتخابات به حساب وی پول واریز کنند، با چه توجیهی پیش‌بینی شده است؟ نویسندگان لایحه با چه استدلالی این ممنوعیت را پیش‌بینی کرده‌اند؟ آیا این حکم مربوط به اساس و کلیت کمک مالی گرفتن از اشخاص حقیقی ایرانی است یا اینکه مربوط به تک‌تک افرادی می‌شود که قصد کمک مالی دارند؟ آیا این اطلاع و اجازه درباره کمک مالی احزاب و تشکل‌های سیاسی و نیز نباید در نظر گرفته می‌شد؟ داوطلب و نماینده او چقدر باید هزینه‌کنند تا از تصمیم تک‌تک این افراد، اطلاع حاصل و اعلام اجازه کنند؟ اگر فرد مذکور خودسرانه پولی را به حساب داوطلب انتخابات واریز کرد، ضمن جلوگیری از این عمل چیست؟ در ضمن، قید دیگری درباره این ممنوعیت وجود دارد؛ ممنوعیت شخص حقیقی ایرانی در تأمین هزینه‌ها از منابع ممنوع‌شده. منظور نویسندگان از منابع ممنوع شده چیست؟ آیا منظور سایر منابع است یا همان سه موردی که در ماده دو، مورد تأکید قرار گرفت؟ اگر منظور سایر منابع باشد که این عبارت بیشتر به یک طنز شباهت دارد؛ چراکه، سه منبع برای شخص حقیقی ایرانی باقی می‌ماند؛ دارایی شخصی داوطلب انتخابات، کمک‌های مستقیم احزاب و تشکل‌های سیاسی و وام‌ها و تسهیلاتی که دولت به داوطلبان می‌دهد. این نشانگر آن است که منظور نویسندگان، موارد سه‌گانه بیگانگان، اموال نامشروع و اموال دولتی و عمومی است؛ نه سایر موارد. اما در این صورت نیز منابع مالی که با عنوان سایر موارد برای داوطلب ممنوع است (به استثنای سه مورد مذکور)، از طریق حساب اشخاص حقیقی ایرانی مجاز می‌شود و این نقض غرض است.

۳- به‌نظر می‌رسد که اجرای قانون ناشی از این لایحه با موانعی عملیاتی روبه‌رو شود. چه میزان باید هزینه کرد تا در انتخابات شوراهای اسلامی شهر و حتی مجلس شورای اسلامی، به نظارت و شفافیت مالی دست یافت؟ حجم بالایی از داوطلبان انتخابات نیازمند حساب‌های اختصاصی‌اند. همچنین، هیئت‌های اجرایی باید بر فرایند واریز، برداشت و نقل و انتقال نظارت کنند. این نظارت و شفافیت به چه قیمتی به دست می‌آید؛ آیا واقعا به دست می‌آید؟ به‌نظر می‌رسد که یکی از دلایل به‌تاخیرافتادن تصویب این لایحه، همین هزینه هنگفت اجرایی‌سازی آن باشد. از این گذشته، افتتاح حساب نزد بانک‌ها به نحوی گسترده، موجب اختلال در کارکرد اصلی بانک‌ها می‌شود. همچنین، ضربت ثباتی و فساد میان بانک‌ها و داوطلبان را نیز بالا می‌برد.

۴- با این منطق و چارچوبی که نویسندگان لایحه از آن پیروی می‌کنند، نظارت و شفافیت چندمرحله‌ای حساب‌ها نیز ضروری است؛ یعنی باید این امکان وجود داشته باشد تا سلسله حساب‌هایی که به حساب داوطلب ختم می‌شود، نظارت و ارزیابی شود. این سازوکار نیز لازمه منطق مورد متابعت نویسندگان لایحه است؛ اما هرگز مطلوب و امکان‌پذیر نیست. از همین‌رو، شاید اگر به‌جای دعوا بر سر اینکه هزینه‌های داوطلبان انتخابات از کجا می‌آید، به سمت «تعیین سقف برای هزینه‌ها» پیش می‌رفتیم، بیشتر به غایت عدالت انتخاباتی، شایسته‌سالاری، رفع تبعیض ناروا و زمینه‌سازی مشارکت همه‌جانبه مردم دست می‌یافتیم. به همان میزان که داوطلبان در هزینه‌های انتخاباتی آزادتر باشند، به منظور رقابت بیشتر، امکان دست‌بردن به منابع نامشروع و ممنوعه برای آنان بیشتر می‌شود؛ چراکه رقابت هرچه بیشتر نیازمند تأمین ثروت بیشتر است. تأمین ثروت بیشتر نیز خطر فساد را بیشتر می‌کند. البته، تعیین سقف نیز باید کارشناسی‌شده باشد و براساس حداکثر توان آنان که به لحاظ دسترسی به منابع مالی ضعیف‌ترین صورت گیرد. اما در کل، سکوت کلیه لایحه‌ها به این لایحه جای بسی تأمل دارد و پیش‌بردار و اصلاح آن نیازمند اراده سیاسی تمام قوا است.

چهارشنبه گذشته، آیین نکوداشت محمدهاشم مهیمنی، آخرین استاندار گلستان در دولت اصلاحات با عنوان «چهار دهه تلاش و خدمت در راه اعتلای انقلاب و اصلاحات» با حضور چهره‌های سیاسی ملی و استانی برگزار شد. این برنامه با پیام‌هایی از رئیس دولت اصلاحات و آیت‌الله نورمفیدی، نماینده ولی فقیه در استان گلستان آغاز شد.

سازگارنژاد: مهیمنی قطعه‌ای از بهشت است

نخستین سخنران این برنامه، محمدامین سازگارنژاد معاون وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی بود. وی ضمن تقدیر از برگزاری چنین برنامه‌هایی در تمجید از سرمایه‌های انسانی کشور گفت: شایسته است که از تلاش‌های خدمتگزاران این‌ کشور تجلیل

شایسته‌ای بشود. از نظر بنده

مهیمنی با خصایل اخلاقی و فردی

که از وی می‌شناسم، قطعه‌ای از بهشت است.

صادقلور: رک‌گویی و قاطعیت وی حلال مشکلات بود

حسن صادقلور، استاندار گلستان نیز در این برنامه با اشاره به سوابق مدیریتی مهیمنی گفت: «من وقتی سوابق در دست‌رسم را نگاه می‌کنم، درخصوص استانداران گلستان تجلی خدمت می‌بینم. از ایشان مکرر در استناد باقی‌مانده‌ای که در دسترس من است خدمت نمود دارد. ما باید این خدمان را پاس بداریم، نه اینکه پس بزنیم. این‌ قاعده رفتار اسلامی و انقلاب اسلامی نیست. این دوستان دیرینه ما، به صفات دیگری هم پسندیده است. رک‌گویی و قاطعیت، سرعت عمل و تصمیم‌گیری ایشان بارها حلال مسائل بوده است.»

او با اشاره به خدمات مهیمنی در زمان استانداری گفت: ما مشترکات زیادی با ایشان در تاریخ اصلاح‌طلبی داریم و من می‌گویم که ایشان یکی از سرمایه‌های خدمت بودند. باید از ایشان درس گرفت و برای مردم امید و اعتماد ایجاد کنیم. امروز گروهی می‌خواهند اعتماد و امید را از بین ببرند و فاصله‌ها را زیاد و در راستای احیای اخلاق انسانی و مشارکت اجتماعی، اختلال ایجاد کنند.

مرعشی: مهیمنی محور جریان اصلاح و اعتدال در استان است

حسین مرعشی، سخنگوی حزب کارگزاران سازندگی کشور نیز در این برنامه سخنرانی کرد. وی گفت: من با آقای مهیمنی بعد از مسائلی که برای ایشان و همکارانشان در شهرداری تهران پیش آمد، آشنا شدم. در سال ۷۶ مردم ایران که انقلاب اسلامی به آنها آزادی در انتخاب داده است و حق رای داشتند، رأی با شکوه به کاندیدای اصلاحات دادند. این رای برای عده‌ای بسیار گران تمام شده بود. یکی از نخستین بداخلاقی‌هایی که آن زمان اتفاق افتاد، برخورد با تیم شهرداری تهران، آقای کرباسچی و تیمشان بود که مورد بی‌مهری بسیار نامانسی قرار گرفتند. اتهام آقای مهیمنی هم در این

سیاست

در آیین نکوداشت محمدهاشم مهیمنی عنوان شد:

محور جریان اصلاح‌طلب در گلستان



بین، این بود که یک کامپیوتر به یک مدرسه دادند. من آن زمان در مجلس پنجم بودم. معاون رئیس دولت اصلاحات ادامه داد: از آن زمان تا امروز، من هر روز شناختم و ارادتم نسبت به ایشان بیشتر شد. در سال‌های اخیر هم این افتخار را داشتم که در خدمت آقای مهیمنی به عنوان محور نیروهای اصلاح‌طلب گلستان همکاری‌های صمیمانه‌ای داشته باشیم. از نظر من جناب آقای مهیمنی و نیروهایی امثال ایشان

نیازی به این تجلیل‌ها ندارند.

آنها که صادقانه کار و خدمت برای آراش و آسایش و اعتلای کشور و انقلاب می‌کنند و زحمت کشیدند، همه آنچه کردند، در جوهر وجودی خود ذخیره کردند. مرعشی ضمن اشاره به اهمیت نیروهای انسانی در توسعه کشور گفت: جامعه ما نیازمند تجلیل از خدمتگزاران صادق خود است. چون این تجلیل‌ها جامعه را به مسیر درست کاری و خدمت رهنمون می‌کند. جوان‌های ما هم نیاز دارند الگوهای خود را بشناسند.

در دنیایی که زرق‌وبرق مادی،

انسان را وسوسه و به سوی خود جلب می‌کند، تربیت مدیرانی برای آینده ایران و کمک به مردم و اداره صحیح جامعه، نیازمند معرفی خدمتگزارانی است که این مسیر را طی کردند. ما نیاز داریم که هاشم مهیمنی‌ها را بشناسیم و از آنها الگو بگیریم. مرعشی در پایان گفت: حال و آینده ایران را نیروی انسانی تعیین می‌کند و نیروی انسانی را انسان‌های محور سازمان می‌دهند. هاشم مهیمنی، محور نیروهای تغییرگر و اصلاح‌طلب استان گلستان است.

محتشمی‌پور: جوانان اصلاح‌طلب از مهیمنی الگوگیرند

فخرالسادات محتشمی‌پور، مدیرکل مرکز زنان

وزارت کشور دولت اصلاحات هم در این برنامه گفت: گاهی به ما می‌گویند مباحث تکراری را عنوان نکنید. اما چرا نباید از صداقت خدمتگزاران این مملکت بارها نکوییم. چرا نباید از وطن‌دوستی و میهن‌دوستی آنها نکوییم. چرا نباید از اعتماد آنها به مردم و تلاش‌شان برای اعتمادسازی مردم یا از پاکدستی آنها نکوییم تا خدای ناکرده فراموش شود. خدمتگزاران صدوق و خدومی که در مسیر خدمت رعایت امانت بیت‌المال

را کرده‌اند؟ آن هم در زمانه‌ای که شرایط آن را می‌دانیم. در این شرایط باید الگوسازی شود. محتشمی‌پور ادامه داد: اگر الگوسازی کنیم، این برنامه‌های نکوداشت این ویژگی را دارد که ارزش‌ها را برای جوانان معرفی می‌کند. جوانانی که باید محمدهاشم مهیمنی‌ها را بشناسند. افرادی که به جان خریدند تا ارزش‌هایی به آن معتقد بودند حاکم شود. من فکر می‌کنم باید همه این ارزش‌ها و هم درباره آقای مهیمنی در کنارش ایستاد تا مسیر صعب و سخت را طی کند.

فخرالسادات محتشمی‌پور: اگر الگوسازی تأثیرگذار نبود، ما در قرآن مثل‌ها را نمی‌دیدیم. باید برای جوانان این کشور الگوسازی کنیم. جوانانی که باید محمدهاشم مهیمنی‌ها را بشناسند. افرادی که به جان خریدند تا ارزش‌هایی که به آنها الگو بگیریم. مرعشی

آیت‌الله نورمفیدی: مهیمنی در همه عرصه‌ها نام نیک بر جای گذاشت

آیت‌الله نورمفیدی، نماینده ولی فقیه در استان گلستان و امام‌جمعه گرگان نیز با ارسال پیامی به این برنامه نسبت به ادامه چنین مراسمی ابراز امیدواری کرد.

همچنین در بخشی از پیام آیت‌الله نورمفیدی آمده: «آقای مهیمنی شخصیتی است که تلاش‌ها و خدمات ایشان نه‌تنها بعد از انقلاب، بلکه از قبل از انقلاب در دوران انقلاب خاطرمان است. در دوران انقلاب اسلامی توانستند در همه عرصه‌ها نام نیک از خود بر جای بگذارند، شخصیتی صالح و شیفته نظام جمهوری اسلامی ایران بودند. برای ایشان آرزوی توفیق و پیروزی را درگاه حضرت حق مسئلت دارم.»

و زحمات ایشان نه‌تنها بعد از انقلاب، بلکه از قبل از انقلاب در دوران انقلاب خاطرمان است. در دوران انقلاب اسلامی توانستند در همه عرصه‌ها نام نیک از خود بر جای بگذارند، شخصیتی صالح و شیفته نظام جمهوری اسلامی ایران بودند. برای ایشان آرزوی توفیق و پیروزی را درگاه حضرت حق مسئلت دارم.»

مهیمنی، بانی تساهل تاریخی اصلاح‌طلبان منطقه

در آغاز این مراسم، حسین رفعتی، فرماندار شهرستان گرگان در دولت اصلاحات که ریاست ستاد نکوداشت را برعهده داشت، گزارشی از روند شکل‌گیری و دلایل برگزاری برنامه ارائه کرد. در بخشی از گزارش ستاد نکوداشت آمده است: «جریان اصلاح‌طلب استان امروز وحدت و یکرنگی خود را مدیون کسی است که در آن روزهای سخت، کنار باران قدیمی خود ایستاد، گرگان را تنها نگذاشت، هم‌صدای

استان خود و نخستین بانی شکل‌گیری وحدت و تساهل و تسامح تاریخی در منطقه بود. محمدهاشم مهیمنی، امروز مظهر وحدت گفت‌مان و تفاهم یک جریان است». گفتنی است محمدهاشم مهیمنی، آخرین استاندار گلستان در دولت اصلاحات بوده، او متولد ۱۳۳۴ در گرگان است. مهیمنی، نخستین فرمانده سپاه گرگان، فرمانده بسیج گیلان و خراسان و مدیرکل شوراهای وزارت کشور دولت اصلاحات نیز بوده است.

او شهردار منطقه ۱۶ تهران در دولت اصلاحات بود که هم‌زمان با بازداشت شهرداران کرباسچی، وی نیز سه ماه بازداشت شد. دادگاه‌های او از جمله دادگاه‌های جنجالی و مورد توجه رسانه‌ها بود. او درنهایت از تمامی اتهامات خود تبرئه شد. در انتخابات دهمین دوره مجلس شورای اسلامی، مهیمنی با بنیان‌گذاری مجمع اصلاح‌طلبان گلستان و سپس پایه‌گذاری شورای سیاست‌گذاری اصلاح‌طلبان همراه با سراسر کشور مقدمات تشکیل ائتلاف در استان را فراهم کرد.

در این برنامه شخصیت‌های سیاسی و مدیران سابق و فعلی دولت و نمایندگان مجلس نیز حضور داشتند؛ از جمله حاضران می‌توان به سیدمحمود حسینی استاندار اصفهان در دولت اصلاحات، محمدامین سازگارنژاد رئیس سازمان فنی و حرفه‌ای و معاون فعلی وزیر کار، محمدرضا یزدان‌پناه مدیرعامل سابق سازمان منطقه آزاد، مصطفی تاج‌زاده معاون وزیر کشور دولت اصلاحات، رئیس مرعشی‌معاون رئیس دولت اصلاحات و رئیس سازمان گردشگری، فخرالسادات محتشمی‌پور مدیرکل مرکز زنان وزارت کشور دولت اصلاحات، صدراعظم نوری شهردار اسبق منطقه ۷ تهران، سیدابراهیم درازگیسو نخستین استاندار گلستان، مرتضی سیدفلاح وزیر کشور اصلاحات، رحمانزاده استانداری‌رئیس‌رژان در دولت اصلاحات و... اشاره کرد.

نخستین فرمانده و آخرین استاندار عصر اصلاحات

رحمت‌اله رحانی ـ مورخ و استاد دانشگاه



تبرئه شهرداران از جمله وی را به همراه داشت. حضور در دادگاه، از محمدهاشم مهیمنی چهره‌ای فراتر از یک شهردار و فعال اجتماعی شهر گرگان ساخت و سبب شهرت او در کشور شد. محمدهاشم مهیمنی از چهره‌های استان گلستان است. او متولد آذر ماه سال ۱۳۳۴ در شهر گرگان است که در سال‌های آخر رژیم پهلوی به دانشگاه اصفهان راه یافت و در رشته زمین‌شناسی به تحصیل پرداخت. محمدهاشم در دانشگاه به فعالیت به نفع انقلابیون پرداخت و از آذر ۱۳۵۷ به گرگان آمد و در این شهر نیز فعالیت انقلابی خود را ادامه داد تا اینکه در بهمن ۱۳۵۷ مجروح شد.

نخستین فرمانده سپاه و بنیان‌گذار بسیج گرگان

محمدهاشم مهیمنی از نخستین جوانانی بود که به سپاه پاسداران پیوست و در شکل‌گیری این نهاد در گرگان نقشی عمده و محوری داشت. برخلاف برخی که از نخستین سال‌ها، راه خود را از سپاه جدا کردند، او در سپاه ماند و چندسالین فرماندهی آن را برعهده داشت. مهیمنی از جمله کسانی بود که بعد از پایه‌گذاری سپاه در کاخ موزه پارک شهر، آن را به اداره املاک که از سازمان مناقضین تحویل گرفته بود، انتقال داد. نقش او در حوادث و وقایع سال‌های ۵۷ و پس از آن قابل بررسی و مطالعه است. محمدهاشم مهیمنی همچنین بنیان‌گذار بسیج در منطقه گرگان است.

ادامه از صفحه اول

رمز محبوبیت حاج‌هاشم‌ها

آدم‌های زیادی به دنیا می‌آیند و بچگی می‌کنند و جوانی می‌کنند و زندگی می‌کنند و پیر می‌شوند و دوباره بچگی می‌کنند و سرانجام با زندگی وداع می‌کنند؛ گاه با عزت و گاه با خفت و می‌روند و از انسان نامی هم نمی‌ماند، اما آدم‌هایی هم هستند که همه این دوران را طی می‌کنند، اما خشت خام وجودشان در گذرگاه‌های سخت و صعب زندگی که حکم کوره‌های گدازخته دارد، پخته می‌شود؛ آدم‌هایی که لفظ آدم برانزده آنان است، چراکه می‌دانند از کجا آمده‌اند و چرا آمده‌اند و به کجا می‌روند و در این مسیر لطمه‌ای را به سستی و کاهلی نمی‌گذارند. آدم‌هایی که می‌آیند تا درس‌آموزی و عبرت‌آموزی کنند و تجربه‌های گران‌سنگشان را چون دری گرانها در طبق اخلاص در اختیار محتاجان بصیر قرار دهند. چهارشنبه ۱۵ دی جمعی از دوستان فهیم یکی از این آدم‌ها، حاج‌هاشم مهیمنی، در امتداد جاده‌ای که به دل طبیعت راه داشت، مجلسی را به مهر آراسته بودند تا در حیات یار صدیق هم‌ولایتی‌های گرگانی یک‌بار دیگر «پندار نیک و گفتار نیک و کردار نیک» را که در وجود مردی از این دیار تجسم یافته گرامی بدارند. میهمانان، زنان و مردانی از استان گلستان و نیز از تهران و مازندران و شهرهای دور و نزدیک بودند، دوست و رفیق و خویش و قوم و هم‌رزم و همکار و همراه که هر یک وجهی از شخصیت ارجمند این مرد خدمتگزار و مدیر توانمند، فرمانده سپاه و مؤسس بسیج گرگان و استاندار گلستان در دوره اصلاحات را می‌شناختند.

آنها آمده بودند تا با گفتار و نوشتار و حتی با نگاه‌های پرمهر و با زبان بی‌زبانی قطعاتی از پازلی را که بنا بود در تالاری در امتداد جاده همدلی و هم‌زبانی تصویر شود در کنار هم قرار دهند. شب باشکوهی بود آن شب که هر مدعو دست یار همدل دیگری را نیز گرفته و با خود همراه کرده بود تا حق مطلب بهتر ادا شود و ازدحام جمعیت و طولانی‌شدن برنامه کسی را نمی‌آزد. بخش یک خدمتگزار از تولد و کودکی و جوانی و ازدواج تا دوران خدمت و ایثار و سازندگی و اصلاحات و عسرت و عزت و باز هم خدمت و خدمت و خدمت.

آدم‌ها از نفس می‌افتند در سربالایی‌های نفس‌گیر زندگی و خدا نکند که دست‌های یلبدی در مسیر، مانع صعود رهنوردان سخت‌کوش مخلص و ایثارگر به قله‌های موفقیت و کمال شوند و خدا نکند حرص و حسد و کین و غل، رهنوردان را از راه بازدارد. آدم‌ها خسته می‌شوند و از نفس می‌افتند اگر همراهانشان همراه نباشند و شریک و یاور زندگی محمدهاشم مهیمنی زنی از جنس خودش بود از نسل خودمان؛ از نسل ما که خستگی را از پای درمی‌آوردیم و برای استراحت همیشه وقت را بسمار می‌دانستیم و استراحت‌نیک‌زده را در جاده زندگی چنان می‌تازانیدیم که در گردوخاک به‌پاشیده هیچ گاستی‌ای به چشم نمی‌آمد.

باری آن شب همه آمده بودند تا نه از یک مرد، بلکه از یک زوج مثالی تقدیر کنند که در کنار هم معنی پیدا کرده بودند و در کنار هم توانسته بودند سستی‌ها را تاب آورند. پایدار این زوج برای گذراندن دوران سخت، آنان را چنان ورزیده کرد که چون الگویی برای نسل خود، بلکه نسل بعد از خود باقی ماندند و اینک آرامشی که در نگاه این زوج می‌بینی، دیگر تنها آرامش بعد از توفان است؛ توفانی که با صبور و آرامش از سر گذرانده‌اند و حالا تجربیاتشان مانند گوهری ارجمند در طبق اخلاص در اختیار طالبان و نیازمندان آن است.

خدا کند همه ما آموخته باشیم که در همه عالم تجربه‌های آدم‌هاست که تبدیل به دانش بشری شده و خدا کند تجربیات حاج‌هاشم‌ها که امروز به‌دلیل حسن خلق و حسن گفتار و کردار، وطن‌دوستی، صداقت، صراحت، جرات، خدمت، امانت‌داری و پاک‌دستی محبوب‌القلوب هستند ثبت و ضبط و مستند شود تا به‌موقع مورد بهره‌برداری قرار گیرد و چه چیز مفیدتر از حاصل عمر آدمی برای دیگران که همانا تجربیات گران‌سنگ اوست! فخرالسادات محتشمی‌پور

منشاور وزیر و مدیرکل امور بانوان وزارت کشور

دوره اصلاحات

آدرس اشتباه

درحالی‌که در نهادهای عمومی دیگر، وضعیت حقوق‌ها تفاوت چندانی ندارد. حمله به برجام به سبک تحلیل‌های فردی که سابق بر این، مذاکرات هسته‌ای را اداره می‌کرد نیز امروز بعد از نهایی‌شدن یک توافق تاریخی که حتی روسیه و چین هم پای آن را امضا کرده‌اند، برای مردم پذیرفتنی نیست. مخصوصا اگر به جای تلاش برای امتیازگیری بیشتر از کشورهای قدرتمند دنیا، به سبک نیش و کنایه‌های سیاسی داخلی دنبال دنیال شود، دولت به‌هیچ‌رویی نباید معرוב شود و دست از مسیر منطقی و اصولی خود برای توسعه کشور و مبارزه با فساد بکشد. آنچه مربوط به حقوق عمومی مردم می‌شود، نیازمند ایستادگی همگان است. اگر به هوای اینکه میداد فضا را برخی محافل، پرغبار کنند، مواضع اصولی کنار گذاشته شود، راه برای رفتارهای توجیه‌ناپذیر بعدی آنان هموار شده است.